

سرمایه سیاسی برای ایران امروز



کیومرث اشتریان

آیا سرمایه سیاسی در ایران به گونه‌ای است که بتواند پاسخ‌گوی بحران‌ها و تهدیدات داخلی و خارجی باشد؟ در هر کشوری سرمایه‌های طبیعی یا اقتصادی با فرهنگی وجود دارد. درباره این سرمایه‌ها سخن بسیار گفته شده است اما از سرمایه سیاسی کمتر سخن گفته‌ایم. سرمایه سیاسی یعنی توان تولید قدرت و نفوذ اجتماعی از طریق رجال سیاسی، احزاب سیاسی، نهاد انتخابات، نهاد دولت، مجلس، میزان ارتباطات بین‌المللی و... برای حفظ چارچوب حاکمیت ملی. اینکه چرا ما به این سرمایه‌ها نیاز داریم، به این دلیل است که در برابر تهدید خارجی و داخلی از هرج‌ومرج جلوگیری شود و نظم و انتظام اجتماعی شکل گیرد. سرمایه قدرت مانند سرمایه اقتصادی است و برای تولید و قوام و دوام آن نیاز به امنیت دارد. اگر امنیت برای تولید «کالای قدرت» در جامعه‌ای فراهم نشود، حاکمیت ملی در معرض آسیب‌ها و بیماری‌های گوناگون قرار می‌گیرد. یک دغدغه مهم برای هر نظام سیاسی نه‌تنها حفظ خود بلکه حفظ سرمایه‌های قدرت است. برخی رژیم‌های سیاسی با تصور اینکه سرمایه قدرت خطری برای آنهاست، از شکل‌گیری این سرمایه جلوگیری می‌کنند؛ یعنی حزب سیاسی را محدود یا منحل می‌کنند، نظام نمایندگی را از کار می‌اندازند، رابطه رجال سیاسی را با جامعه قطع می‌کنند یا اساسا اجازه نمی‌دهند که این رجال از سوی مردم شناسایی شده و «پرورش» یابند. در نتیجه در هنگامه‌های بحرانی و جنگ کشور از سرمایه‌های قدرت خالی است و نه‌تنها رژیم سیاسی، بلکه کل حاکمیت ملی در معرض خطر قرار می‌گیرد. اگر یک کشور با تهدید جنگ مواجه شود، باید تمهیداتی شکل بگیرد که بتواند همه سرمایه‌های نهفته خود را به میدان بیاورد. هرچه میزان تنفر نیروهای درون سیستم از یکدیگر بیشتر باشد، امکان به میدان آوردن آنها در هنگامه‌های بحران کمتر می‌شود.

یکی از آسیب‌های جامعه سیاسی در ایران همین تنفر عجیب برخی نیروها از یکدیگر است که امکان شکل‌گیری سرمایه سیاسی را نمی‌دهد. اغلب، افراد و گروه‌ها در پی آن‌اند که ایرادی از یک گروه سیاسی بگیرند تا آن را در هم شکند. کمتر به این می‌اندیشند که هرچند به یک گروه انتقاد داشته باشید، باید آن را به‌عنوان یک سرمایه سیاسی در نظر بگیرید که ستونی از قدرت را با شما سازی از طرفداران خود به پا می‌کند که در مجموع سبب قوام قدرت داخلی می‌شود. این ستون‌های قدرت برای هر کشوری لازم‌اند، اصل بر حفظ این سرمایه‌هاست، حتی به آن انتقاد داشته باشیم یا اینکه آثار را لایق ندانیم یا اینکه حتی آلوده فساد هم شده باشند. مهم این است که رویکرد انتقادی-قضائی سرازنده‌ای در پیش گرفته شود و درباره اصلاح آنان همت گماریم. در نظر بگیرید که مثلا یک قرارداد تجاری مهم منعقد کرده‌اید که برای کشور مفید است اما طی فرایند قرارداد رشوه‌ای گرفته شده است. در چنین حالتی منافع ملی ایجاب می‌کند که قرارداد را بر هم نزنیم، بلکه متخلف را مورد تعقیب قضائی قرار دهیم. به همین سان است درباره رجال سیاسی یا احزاب سیاسی. اگر حزبی یا رجلی تخلف کرد، کلا حزب را تعطیل نکنیم، مهم این است که جریان تولید سرمایه قدرت در جامعه نباید متوقف شود. اینکه با یک تهدید خارجی بحران لاینحل پدید آید، نشان از این دارد که در آن جامعه جلوی تشکیل سرمایه قدرت مردمی گرفته شده و به مرور زمان برای امنیت ملی خطر آفریده شده است. آن‌گاه که در تشکیل سرمایه قدرت تعلل شود، مردمان در هنگام بحران به هر «حلف خشکی» چنگ می‌زنند، چراکه وجود سرمایه قدرت برای کشور گریزناپذیر است. کشور را نمی‌توان بدون سرمایه قدرت حفظ کرد. در نتیجه:

– رجال سیاسی در یک کشور ستون‌هایی هستند که مردم در بحران‌ها به آنها رجوع می‌کنند و با سرانگشت تدبیر آنان ثبات سیاسی پدید می‌آید.

– احزاب سیاسی نیز چنین کارکردی دارند و سبب می‌شوند که مردمان در گروه‌های منسجم سیاسی سرمایه قدرت تشکیل دهند

و این‌گونه نباشد که تهدید خارجی آنها را به‌سادگی از پای درآورد.

– نهادهای سیاسی مانند قوه قضائیه، نهاد انتخابات، مجلس و دولت نیز سرمایه‌های سیاسی رسمی‌اند.

روزنامه

یکشنبه ۱۳ مهر ۱۴۰۴
۱۲ ربیع‌الثانی ۱۴۴۷
۵ اکتبر ۲۰۲۵
سال بیست‌ودوم
شماره ۵۲۲۰
۳۰ هزار تومان
۱۲ صفحه

در «شرق» امروز می‌خوانید: پرسپولیس؛ قربانی منافع شخصی • شکل‌های زندگی: درباره رمان «بینوایان»، اثر فناپذیر ویکتور هوگو • وقتی موسیقی بذر امید در غزه می‌کارد / مناف یحیی‌پور

پیشگامی ترکیه در همراهی با تحریم‌های شورای امنیت و فشار بر ایران در سایه تحولات منطقه‌ای بررسی شد

همسایگی در پیچ منافع

گزارش تیریک را در صفحه ۲ بخوانید



«شرق» از ماجرای احیای «جشن مهرگان» و ثبت هفته‌ای به نام این روز گزارش می‌دهد

یک قدم برای بازگرداندن جشن‌های ملی

یادداشت

صنعت ۵۰۰ و فناوری‌های آینده

نگاهی به بانکداری در عصر انقلاب پنجم



محمدرضا حسین‌زاده

هوش مصنوعی دیگر فقط ابزار پردازش داده نیست، بلکه شریک فکری انسان در تحلیل، تصمیم‌سازی و خلق نوآوری خواهد بود.

نکته قابل بحث در این یادداشت، تأثیر این انقلاب بر صنعت بانکداری است. بانکداری یکی از حوزه‌هایی است که به‌سرعت تحت تأثیر این تحول قرار می‌گیرد و با اتکا به هوش مصنوعی به شریک مالی قابل اعتمادی برای مشتریان تبدیل می‌شود. آن‌گاه دیگر بانک‌ها تنها یک نهاد پولی یا مالی نیستند که فقط پول نگه دارند و وام بدهند، بلکه در عمل از هوش مصنوعی برای پیش‌بینی روندها، کشف خطاها و مشاوره‌های شخصی به مشتریان استفاده می‌کنند. بلاکچین را برای شفافیت بیشتر، کاهش هزینه تراکنش‌ها و قراردادهای هوشمند به کار می‌گیرند. فناوری‌های تازه مثل واقعیت افزوده، رایانش لبه‌ای و محاسبات کوانتومی برای ایجاد شعبه‌های مجازی و ارائه خدمات سریع‌تر و امن‌تر عملیاتی می‌شود و اکوسیستم‌هایی که بانک‌ها را به مرکز تعامل مالی و اجتماعی بدل کند، به وجود می‌آیند. در این وضعیت، همکاری با فین‌تک‌ها و کیف‌پول‌های دیجیتال به امری عادی تبدیل می‌شود. البته حرکت در این مسیر چندان آسان نیست. بانک‌ها با چالش‌های بزرگی

یادداشت

یک تصویب دیر هنگام و چند پرسش بهنگام



ناصر ذاکری

کارشناس اقتصادی

تصویب دیر هنگام پیوستن به معاهده CFT در روزهای اخیر به بحثی جدی درباره پرونده FATF و آثار آن بر اقتصاد کشور دامن زده است. در بهمن ۱۳۸۶ و در شرایطی که پرونده کشورمان در دبیرخانه FATF در دست بررسی و احتمال قرارگرفتن ایران در لیست سیاه به‌طور جدی مطرح شده بود، قانون مبارزه با پول‌شویی در مجلس و شورای نگهبان تصویب شد؛ اما این تصویب نتوانست مانع قرارگرفتن کشور در لیست سیاه شود. توجیه دبیرخانه این بود که قانون مزبور حداقل‌های مورد نیاز را تأمین نکرده است. رفتن به لیست سیاه دشواری‌های متعددی برای اقتصاد ملی ایجاد کرد و به تدریج به مانهی جدی بر سر راه حضور مقتدرانه کشورمان در بازارهای جهانی تبدیل شد؛ هرچند تنها مانع موجود نبود. در سال‌های گذشته و در شرایطی که فرصت‌های ارزشمندی برای جلب مشارکت و جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی با هدف ایجاد رونق و شکوفایی در اقتصاد ملی برای کشورمان وجود داشت، قرارگرفتن کشورمان در لیست سیاه FATF به‌عنوان یک مانع جدی بر سر راه خودنمایی می‌کرد. هرقدر کارشناسان ایران دوست تلاش می‌کردند تا مسئولان بالاتر به مضرات این امر توجه کنند و اجازه ندهند خسارت‌ها بر اقتصاد ملی افزایش یابد، دم گرم‌شان بر آهن سرد مخالفان اثری نمی‌کرد. حتی زمانی که بعد از تصویب برجام، سیل نمایندگان شرکت‌های بزرگ و کوچک به تهران سرازیر شد و لیست سیاهی بودن ما ارزبایی آنان را تحت تأثیر قرار داد و ما را در موقعیتی قرار می‌داد که باید امتیاز بیشتری به شرکای خارجی بدهیم، باز هم رضایت مسئولان و مقامات متنفذ جلب شد که مانع تصویب عضویت ایران در معاهده جهانی مبارزه با پول‌شویی نشوند.

این اصرار سرسختانه و خودداری از ورود به هرگونه بحث و مناظره شفاف درباره این موضوع، برخی ناظران را به این باور رساند که مخالفان پیوستن ایران به این معاهده، فقط یک هدف دارند و آن جلوگیری از ثبت هرگونه پیروزی به نام دولت دوازدهم است تا موقعیت حزب محبوب آنها در انتخابات بهبود یابد و شانس انتخاب نامزدشان افزایش پیدا کند.

ایوان کلیما نویسنده اهل چک درگذشت



برگزیده‌ها

توضیح یزشکیان در مورد حجاب در ایران

هیچ باوری به اجبار ندارم

روایت های آماری از وضعیت زندگی کارگران در ایران در شرایط تورم دو رقمی؛

مصائب زندگی کارگری

موافقت مشروط حماس با طرح ترامپ و ۳ مسیر پیش‌رو توافق شکننده، بن‌بست کامل با آدام‌گی برای جنگ بزرگ

تردید در صلح

گزارش «شرق» از پاسخ جلیلی به برگزاری مناظره میان روحانی و جلیلی در صدا و سیما

یک «خبر» و هزار معنا



عصر چریک‌ها: گفت‌وگوی احمد غلامی با نقی حمیدیان

مردان قانونی که شورشی شدند

یادداشت

برجام و ضرورت میان‌داری



غلام‌رضا نازربلند

تحلیلگر

مدخل «میان‌داری» به گونه‌های مختلف تعریف شده و بعضاً به‌عنوان حرفه در زمینه‌های گوناگون کاربرد یافته است. مفهوم واژه کلیدی مزبور در این نوشتار، واسطت یا اصلاح ذات‌البین نیست، بل داوری تخصصی و حرفه‌ای افراد شاخص، ماهر و مستقل در امری اختلافی است، به نحوی که مرجعیت یابد و خواه ناخواه فضل‌الخطاب قرار گیرد. داستان برجام مصداق همان امر اختلافی است که میان‌داری وفق تعریف پیشه‌راشته را ضروری می‌کند.

برجام را طرفینی است که یکی مدافع و دیگری مخالف آن است؛ اولی هرچه می‌گوید له و دومی هرچه می‌گوید علیه است؛ گویی این قرارداد بر فراز و نشیب و جنبایی یک گونی زغال است که سیاه محض باشد یا کیسه‌ای گچی است که سفید مطلق است!

در آخرین یادداشت خود تحت عنوان «تدبیری برای پس‌برجام بی‌فرجام» (شرق ۷ مهر ۱۴۰۴) چنین نگاشتم: «برجام نه یک شبه خلق شد و نه زادرز او ۱۰ سال پیش در چنین موقعی بود. اگر نگوییم برجام روزی چشم به جهان گشود که برنامه هسته‌ای ایران کلید زده شد، عمری کوتاه‌تر از بیست‌وچند سال هم نمی‌توان برای آن قائل شد».

بازه زمانی طولانی‌مدت شکل‌گیری برجام و نقش و اهمیت بسزای آن حتی فراتر از سطح ملی و منطقه‌ای، این قرارداد را برخاسته از عناصری ساخته که در زیر به مواردی از آن اشاره می‌شود:

– تعامل در عین تقابل شرق و غرب (از جمله دوره‌ای نسبتاً کوتاه از تعامل روسیه و غرب)، – مامشات طولانی مدت چین با کرانه‌نشینان دو سوی آتلانتیک، – مناسبات جهانی ناظر به روابط و حقوق بین‌المللی،

– سیاست داخلی و تعارضات داخلی‌ده درونی که حتی در مواردی متضمن دوقطبی‌سازی بوده،

۱۳ صفحه ادامه‌در صفحه ۸

۱۳ صفحه ادامه‌در صفحه ۸